

ابوطالب علیه السلام در آینه زیارت و دعا

علی انجم شعاع^۱

چکیده

ابوطالب علیه السلام شخصیتی تأثیرگذار در تاریخ اسلام است که ابعاد مختلف زندگی اش سزاوار بررسی است. زیارت‌ها و دعاهای مرتبط با حضرت ابوطالب علیه السلام در این مقاله بررسی شده است. با توجه به نقش ایشان در شکل‌گیری اسلام و همچنین نسبت نزدیک با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام، پرداختن به این موضوع ضروری است. با بررسی و معرفی زیارت و دعاهای منسوب به این مرد الهی، مؤمنان با این معارف آشنا می‌شوند و می‌توانند در آداب و اعمالشان از آن بهره‌گیرند. این مقاله، با تتبع در معارف مرتبط با این موضوع، مقام و جایگاه حضرت ابوطالب علیه السلام را در آینه زیارت و ادعیه با اشاره به برخی رخدادهای تاریخی تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی

زیارت‌نامه ابوطالب، حرم ابوطالب، آداب حج، عزاداری بر ابوطالب، شفاعت ابوطالب، ادعیه و زیارات، معارف حدیث

درآمد

حضرت ابوطالب علیه السلام عموی پیامبر صلی الله علیه و آله است که پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرد و در قبرستان حجون دفن شد. درباره شخصیت ایشان کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است. موضوع و محتوای بیشتر نگاشته‌ها، در مبحث ایمان اوست. شاید متوقف‌ماندن در موضوع ایمان ایشان، به دلیل روایات و نقل‌های تاریخی نادرست اهل سنت باشد، چراکه برخی از آنها نه تنها اعتقادی به ایمان ابوطالب ندارند بلکه ایشان را غیر مسلمان می‌دانند.

در این مقاله کوشیده‌ایم گامی فراتر بگذاریم و این شخصیت بزرگ و مؤمن اسلام را در متون دعا و زیارت بررسی کنیم. با توجه به شخصیت فردی، اجتماعی و سیاسی والای این مرد الهی،

۱. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم a.a.shoa@gmail.com

اثرگذاری او در اسلام و همچنین نسبت نزدیکی با پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ پرداختن به این موضوع ضروری است. بایسته است مؤمنان با ابعاد شخصیتی ایشان آشنا شوند و فاصله قلبی‌شان را با آموختن معارف دعاها و زیارات مرتبط با او کم کنند. بدین منظور معارف مرتبط با موضوع زیارت ابوطالب ﷺ را از روایات و زیارت‌نامه‌های معصومان ﷺ و همچنین نقل‌های تاریخی، جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده و در بخش اول منعکس کرده‌ایم. همچنین، با بررسی دعا‌های مرتبط با ایشان در این منابع، بخش دوم مقاله پیش رو شکل گرفته است.

الف) ابوطالب ﷺ در آینه زیارات

حضرت ابوطالب ﷺ دارای صفات ویژه‌ای بودند که بدون شک نشان‌دهنده هم‌مقامی با مؤمنان است. بنا بر فرموده امام باقر ﷺ، ابوطالب ﷺ از مؤمنان شمرده شده^۲ و در روایتی دیگر، ایمان او از همه بندگان فزون‌تر دانسته شده است.^۳ همچنین، امام زین‌العابدین ﷺ ایشان را به سبب همسری فاطمه بنت اسد ﷺ که زنی مؤمنه بود، مؤمن خطاب می‌فرماید.^۴ کتاب‌ها و مقالات بسیار در موضوع اثبات ایمان ابوطالب ﷺ نگاشته شده و این نوشتار به دنبال تکرار این معارف نیست، بلکه در صد است نشان دهد که ایمان والای حضرت ابوطالب ﷺ، ایشان را سزاوار زیارت گردانده و بلکه از بهترین کسانی است که می‌توان زیارت کرد. حتی اگر ویژگی‌های منحصر به فرد ابوطالب ﷺ و نحوه تعاملش با پیامبر اکرم ﷺ و علاقه وافر نبی اکرم و حضرت علی ﷺ به ایشان نبود، همین روایات در اثبات ایمان ابوطالب کفایت می‌کرد و به زیارت ایشان نیز وجهه دینی و اسلامی می‌بخشید. او علاوه بر داشتن مراتب والای ایمان، از اولیای الهی بود که تعداد کمی از مردم، مقامش را شناختند. در سفر معروف ایشان به شام، راهبانی که به دنبال اولیای الهی بودند، با دیدن ابوطالب ﷺ به مقصود خود رسیدند و خدا را شکر کردند که در زمان زندگی خویش توفیق دیدار این ولی خدا را پیدا کردند.^۵

ابوطالب ﷺ در آینه زیارات و دعا

۲. الحجّة علی الذاهب، ص ۱۴۰: ... محمد بن علی الباقر ﷺ آنّه قال: مات ابوطالب بن عبدالمطلب مسلماً مؤمناً. وقتی ابوطالب،

فرزند عبدالمطلب، از دنیا رفت مسلمان و مؤمن بود.

۳. حلیة الابوار، ج ۶، ص ۴۵: محمد بن علی الباقر ﷺ قال: لو وضع ایمان ابی‌طالب فی کفّة میزان و ایمان هذا الخلق فی الكفّة الاخری لرجح ایمانه. اگر ایمان ابوطالب در کفه ترازو قرار گیرد و ایمان بقیه بندگان در کفه دیگر ترازو، ایمان ابوطالب رجحان پیدا می‌کند؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۸.

۴. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۵.

۵. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۷۷: عن برید بن قعب و جابر الانصاری أنّ کان راهب یقال له المثرم بن دعیب قد عبد الله مئة و تسعين سنة و لم یسأله حاجة فسال ربّه ان یریه ولینا له فبعث الله بابی‌طالب الیه فساله عن مکانه و قبیلته فلمّا اجابه وثب الیه و قبل رأسه و قال: الحمد لله الذی لم یمتنی حتی ارانی ولیّه ثم قال: ابشر یا هذا انّ الله الهمنی انّ ولدا یرج من صلبک هو ولیّ الله اسمه علی فان ادركته فاقراه منی السلام.

بنا بر این مقدمات، حضرت ابوطالب علیه السلام از اولیای الاهی و مؤمنان راستینی بودند که مطابق روایات، جسم و روحشان بر آتش حرام شده است.^۶ در اسلام زیارت اولیای الاهی و مؤمنان تأکید و سفارش شده است. پس بهتر است در هنگام تشرف برای زیارت خانه خدا در مکه و یا از راه دور از زیارت این بزرگوار غافل نشویم. در ادامه مطالبی که در زیارت حضرت ابوطالب علیه السلام باید دانسته شود در شش بخش تنظیم شده است.

۱. بررسی زیارت ابوطالب علیه السلام

با تتبع و بررسی‌های انجام گرفته در کتب شیعه و اهل سنت، زیارت‌نامه‌ای مأثور یا روایتی که مستقیماً به زیارت حضرت ابوطالب علیه السلام امر کرده باشد وجود ندارد.^۷ اما با دقت در این منابع، نکات مفیدی در موضوع زیارت ایشان استفاده می‌شود، از جمله شباهت ابوطالب به اصحاب کهف. امام صادق علیه السلام در روایتی ایشان را به اصحاب کهف تشبیه کرده‌اند:

۶. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶؛ عن ابی عبد الله علیه السلام قال: نزل جبرئیل علیه السلام علی النبی صلی الله علیه و آله فقال: یا محمد ان ربک یقرنک السلام و یقول: انی قد حرمت النار علی صلب آنزلک و بطن حملک و حجر کفک فالصلب صلب اَبیک - عبدالله بن عبدالمطلب - و البطن الذی حملک فأمّنة بنت وهب و اما حجر کفک فحجر ابی طالب.

۷. در برخی کتب متأخر زیارت‌نامه‌هایی هست که با جست‌وجوی متون آنها در منابع پیشین، اثری از آن یافت نشد. با بررسی‌های انجام شده دو زیارت‌نامه درباره حضرت ابوطالب علیه السلام نقل شد است. متن زیارت‌نامه اول چنین است: «السلام علیک یا سید البطحاء و ابن رئیسها، السلام علیک یا وارث الکعبة بعد تأسیسیها، السلام علیک یا کافل الرسول و ناصره، السلام علیک یا عم المصطفی و ابا المرتضی، السلام علیک یا بیضة البلد، السلام علیک ایها الذاب عن الدین، و الباذل نفسه فی نصره سید المرسلین، السلام علیک و علی ولدک امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته.» (مناسک حج روحانی، ص ۱۶۹؛ مناسک الحج گلیپگانی، ج ۱، ص ۴۶۸) زیارت‌نامه دیگری نیز در مواهب الوهاب موجود است که بدون اشاره به منبع اصلی، فقط به کتب اصحاب و معصوم نسبت داده شده است: «و هذه الزیارة لابی طالب علیه السلام نسبیها بعض الاصحاب فی کتاب له الی المعصومین علیهم السلام: السلام علیک یا سید البطحاء و ابن رئیسها، السلام علیک یا کافل رسول الله صلی الله علیه و آله، السلام علیک یا حافظ دین الله، السلام علیک یا عم المصطفی، السلام علیک یا ابا المرتضی، السلام علیک یا والد ائمة الهدی، کفک بما اولاک الله شرفاً و نسبا و حسبا و حسبک بما أعطاک الله عزاً و فخراً، السلام علیک یا شرف الوجود، السلام علیک یا ولی المعبود، السلام علیک یا حارس النبی الموعود، السلام علیک یا من رزق ولدا هو خیر مولود، السلام علیک یا من خصص بالولد الزکی الطاهر المطهر العلی، هو علی اشتق اسمه من العلی، هنیئا لک ثم هنیئا لک بولد هو المرتضی من الرسول، و زوج البتول و سیف الله المسلول و آخ الرسول، هنیئا ثم هنیئا لک هو المرتضی و هو من محمّد المصطفی بمنزلة هارون من موسی، و هنیئا لک ثم هنیئا لک بولد هو شریک النبوة و المخصوص بالاخوة و السلام علیک و رحمة الله و برکاته، و هنیئا لک بولد هو کاشف الغمة و امام الائمة، و ابو الائمة، و هنیئا لک بولد هو قسیم الجنة و النار و نعمة الله علی الابرار و نعمة الله علی الفجار، السلام علیک و علیه و علیهم اجمعین و رحمة الله و برکاته و رضوانه و تحياته و جمعنا الله و ایتاک فی دار السلام مع نبیه و انبیائک المعصومین انه قریب مجیب.» (مواهب الوهاب، ص ۳۰۰)

زیارت‌نامه‌های مذکور را، علاوه بر بررسی سندی، می‌توان بررسی محتوایی هم کرد. با جست‌وجوی عبارت‌های این دو زیارت‌نامه در کتب پیشین می‌توان به برخی روایات و گزاره‌های تاریخی در این باره دست یافت. مثلاً عبارت «کافل الرسول» به شکلی در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله منعکس شده است. سایر فقرات این زیارت‌نامه‌ها نیز با ایمان ابوطالب علیه السلام نسبت او با پیامبر و حضرت علی علیه السلام و همچنین حمایت او از این دو بزرگوار قابلیت تطابق دارد؛ اما با توجه به یافته‌شدن این زیارت‌نامه‌ها در متون کهن، شاید بتوان گفت این متون، مضمونی از گزاره‌های تاریخی و روایی است که در مجموعه‌ای گرد آمده است.

عن الصادق جعفر بن محمد رضی الله عنه أنه قال: مثل ابی طالب مثل اهل الكهف حين اسرّوا الايمان و اظهروا الشرك، فأتاهم الله اجرهم مرتين؛ و ما خرج من الدنيا حتى أتته البشارة من الله تعالى بالجنة.^۸

از امام صادق رضی الله عنه روایت شده که شباهت ابوطالب به اصحاب كهف است، وقتی که ایمانشان را کتمان (در سر) و شرک را ظاهر کردند. پس خداوند به آنها دو بار اجر می‌دهد؛ و (ابوطالب رضی الله عنه) از دنیا خارج نشد مگر اینکه برایش از جانب خداوند متعال بشارت بهشت آمد.

در این روایت، ایمان ابوطالب رضی الله عنه هم‌سنگ ایمان اصحاب كهف شمرده شده است. حتی می‌توان به دلیل حمایت‌های او از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حبّ او به ولیّ خویش، ایمانش را به مراتب بالاتر و محکم‌تر از اصحاب كهف دانست. داستان این افراد صالح در سوره كهف منعکس شده است. در آیه ۲۱ این سوره آمده است که پس از تنبّه مردم از وجود این مؤمنان در غار، به مشورت و حتی نزاع در نحوه ساخت بنایی برای زیارتگاه یا مسجد مشغول شدند:

و كذلك أعثرنا عليهم ليعلموا أنّ وعد الله حقّ و أنّ السّاعة لا ريب فيها اذ يتنازعون بينهم أمرهم فقالوا ابنوا عليهم بنياناً. ربّهم أعلم بهم.

قال الذين غلبوا على أمرهم لتتخذنّ عليهم مسجداً.^۹

بدین‌سان کسانی را از آنها مطلع کردیم تا بدانند که وعده خدا حق است و در رستاخیز تردیدی نیست، وقتی که میان خویش در کار آنها مناقشه می‌کردند، گفتند: بر غار آنها بنایی بسازید، پروردگار به کارشان داناتر است و کسانی که در مورد ایشان غلبه یافته بودند، گفتند: بر غار آنها عبادتگاهی خواهیم ساخت.

با توجه به روایت و آیه فوق می‌توان نتیجه گرفت که بر پایه سنت قرآنی، می‌شود بر قبر این بزرگ‌مرد، بنایی عالی و مسجدی معنوی ساخت که مؤمنان از ساختمان آن برای عبادت و زیارت بهره ببرند، چیزی که در زمان کنونی از آن محرومند.^{۱۰}

با توجه به ایمان حضرت ابی‌طالب رضی الله عنه، روایات استحباب زیارت مؤمنان و صالحان نیز درباره این مرد بزرگ جاری بوده و زیارت ایشان هم‌ثواب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومان رضی الله عنهم است.^{۱۱}

۸. الامالی للصدوق، ص ۳۶۶؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۷۲.

۹. الكهف، ۲۱.

۱۰. داعی نیز در آیه ۱۰ سوره كهف به نقل از اصحاب كهف وجود دارد: «إذ أوى القتیة إلى الكهف فقالوا ربّنا آتينا من لذنك رحمةً و هبّی لنا من أمرنا رشداً».

۱۱. از باب نمونه روایتی از امام کاظم رضی الله عنه درباره زیارت افراد صالح وجود دارد: «علی بن عثمان الرازی قال: سمعت ابا الحسن الاوّل رضی الله عنه یقول: من لم یقدر علی زیارتنا فلیزر صالحی اخوانه یکتب له ثواب زیارتنا و من لم یقدر ان یصلنا فلیصل صالحی اخوانه یکتب له ثواب صلتنا» (کامل الزیارات، ص ۳۱۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳)

ابوطالب مؤمنی عادی نبوده، بلکه از همنشینان انبیا، صدیقان، شهدا و صالحان است.^{۱۲} پس شایسته است در زیارت این بزرگمرد آداب و اعمال ویژه زیارت مؤمنان را به جای آورد:

قال الرضا علیه السلام: فاذا اردت زیارة قبر اخیک المؤمن فاستقبل القبلة و وضع یدک علی القبر و قل اللهم ارحم غربته و صل وحدته و آنس وحشته (و آمن روعته) و اسکن الیه من رحمتک رحمة یتستغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه ثم اقرأ انا انزلناه فی لیلة القدر سبع مرّات.^{۱۳}

امام رضا علیه السلام فرمودند: وقتی خواستی زیارت کنی برادر مؤمنت را، رو به قبله بایست و دستت را بر قبر بگذار و بگو: اللهم ارحم غربته و صل وحدته و آنس وحشته (و آمن روعته) و اسکن الیه من رحمتک رحمة یتستغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه. سپس هفت بار سوره قدر را قرائت کن.

یکی از مقامات ابوطالب علیه السلام مقام وصایت ایشان است. شیخ صدوق در اعتقادات الامامیه روایت کرده است که ابوطالب وصی حضرت عبدالمطلب علیه السلام، این حجت الاهی است:

و رُوی انّ عبدالمُطلب کان حُجَّةً و اباطالب کان وصیّه.^{۱۴}
روایت شده که عبدالمطلب حجت بود و ابوطالب وصی او بود.

در روایتی دیگر از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که ودایح و وصیت‌های نبوت در دستان ابی‌طالب علیه السلام بوده است:

سئل أبو الحسن الاول علیه السلام: أ کان رسول الله صلی الله علیه و آله محجوجا بابی طالب؟ فقال: لا و لکنّه کان مستودعا للوصایا.^{۱۵}

از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت ابوطالب بر پیامبر اکرم نیز حجت بود؟ فرمودند: نه. لکن وصیت‌ها (ودایح نبوت) در دست او بود که به آن حضرت تقدیم کرد.

بر پایه گروهی از روایات، زیارت اوصیا و درود و سلام فرستادن بر آنها سفارش شده است:

۱۲. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۸۳: ابان بن محمد بن یونس بن نباته عن ابی عبد الله علیه السلام انه قال: یا یونس ما یقول الناس فی ایمان ابی طالب؟ قلت: جعلت فداک یقولون هو فی ضحاح من نار یغلی منها ام رأسه. فقال: کذب أعداء الله ان اباطالب من رفقاء النبیین و الصّدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا.

۱۳. المزار الكبير، ص ۶۰۱؛ المزار للمفید، ص ۲۱۸.

۱۴. اعتقادات الامامیه، ص ۱۱۰.

۱۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۱۸.

زیاد بن ابی الحلال عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ما من نبی و لا وصی (نبی) یبقی فی الارض بعد موته اکثر من ثلاثة ایام حتی ترفع روحه و عظمه و لحمه إلى السماء و انما تؤتی مواضع آثارهم و یتلغهم السلام من بعید و یسمعونه فی مواضع آثارهم من قریب.^{۱۶}

زیاد بن ابی حلال می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ پیامبر و وصی پیامبری نیست که پس از مرگ، سه روز بیشتر در زمین بماند تا اینکه روح، استخوان و گوشت او را به آسمان بالا می برند و زائران به زیارت مواضع آثارشان می آیند و از دور بر ایشان سلام می رسانند و سلام را از نزدیک از مواضع آثارشان به ایشان می شنوند.

با تلفیق معارف و تحلیل این روایات می توان فهمید که زیارت مستقل ابوطالب علیه السلام از پسندیده ترین امور و دارای اجر و ثواب بسیار است. شایسته است زائران بیت الله الحرام از قبر این ولی الهی توشه برچینند و استفاده کنند.

۲. زیارت ابوطالب علیه السلام در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، زیارتی از راه دور منقول از امام صادق علیه السلام وارد شده است. در این زیارت، سلام و درود بر عمومی بزرگوار ایشان، حضرت ابوطالب، وجود دارد و ایشان را کفیل و سرپرست نبی اکرم برمی شمرد:

عن الصادق علیه السلام: و ذکر زیارة النبی صلی الله علیه و آله و سلم ... السلام علیک و علی جدک عبدالمطلب و علی ایبک عبدالله السلام علیک و علی امک آمنه بنت وهب السلام علی عمک حمزة سید الشهداء السلام علیک و علی عمک عباس بن عبدالمطلب السلام علی عمک و کفیلک ابی طالب.^{۱۷}

از امام صادق علیه السلام زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که: ... سلام بر تو بر جدت حضرت عبدالمطلب و بر پدرت حضرت عبدالله، سلام بر مادرت آمنه بنت وهب، سلام بر عمومی تو حضرت حمزه سید الشهداء، سلام بر عمومی عباس بن عبدالمطلب، سلام بر عمو و کفیل تو ابوطالب.

چنین سلامی در زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دلالت بر اهمیت شخصیت ابوطالب دارد.

در زیارتی دیگر برای نبی مکرم به برخی عموهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستاده شده است:

۱۶. المزار للمفید، ص ۲۲۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰۶.

۱۷. الاقبال، ج ۲، ص ۶۰۴؛ المزار للشهید، ص ۱۱.

السلام علی عمّک عمران ابی طالب، السلام علی ابن عمّک جعفر الطیار فی جنان الخلد، السلام علی عمّک حمزة سید شهداء احد.^{۱۸}
 سلام بر عمویت عمران ابی طالب، سلام بر پسرعمویت جعفر طیار که در بهشت ابد به پرواز است، سلام بر عمویت حمزه آقای شهدای احد.
 درباره نام «عمران» نکته‌ای وجود دارد. ابن حجر عسقلانی معتقد است «ابوطالب» در واقع کنیه ایشان است و نام او «عبد مناف» یا «عمران» است.^{۱۹} آیت الله سبحانی نیز این وجه را پذیرفته است.^{۲۰} کتاب غرر الاخبار نیز اسم او را «عمران» می‌داند.^{۲۱} بنا بر این نظر، باز هم در زیارت پیامبر اکرم ﷺ به ابوطالب علیه السلام توجه شده و به نوعی ایشان نیز موضوع زیارت قرار گرفته است.

۳. زیارت ابوطالب علیه السلام در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام

در زیارت حضرت علی علیه السلام، عباراتی به چشم می‌خورد که با ابوطالب علیه السلام مرتبط بوده و نشان‌دهنده نسب پاک حضرت علی علیه السلام است. وجود این عبارات و تکیه زیارت بر آن، نشان از مقام والای این شخصیت دارد؛ زیرا چنانچه ابوطالب شخصی عادی بود، نام‌بردن او در زیارت وصی پیامبر صلی الله علیه و آله وجهی نداشت. در ادامه، این زیارات نقل می‌شود:

در چند زیارت حضرت علی علیه السلام عبارتی مشابه وجود دارد که با پدر و مادر ایشان مرتبط است:

اشهد انک طهرٌ طاهرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طاهرٍ مُطَهَّرٍ.^{۲۲}

گواهی می‌دهم همان‌گونه که شما پاک و مقدّس و منزّه از هر آلودگی هستید از دودمانی پاک و مقدّس و منزّه از هر آلودگی متولّد شده‌اید.

این عبارت نشان‌دهنده آن است که حضرت علی علیه السلام نه تنها خود، پاک و طاهر بوده، بلکه از صلب

و رحمی پاک بوده که مصداق تامّ آن ابوطالب علیه السلام و فاطمه بنت اسد علیهما السلام است.^{۲۳}

۱۸. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۸۹ نقلا من نسخة قديمة من مؤلفات اصحابنا.

۱۹. الاصابة، ج ۷، ص ۱۹۶: ابن هاشم بن عبد مناف بن قصی القرشی الهاشمی، عمّ رسول الله صلی الله علیه و آله شقیق ابیه، امّهما فاطمة بنت عمرو بن عائذ المخزومية، اشتر بکنیته، و اسمه عبد مناف علی المشهور؛ و قیل عمران.

۲۰. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۶۱: گاه گفته می‌شود نام او «عمران» است، چنان که در زیارت‌نامه که مستحب است از دور خوانده شود، پیامبر را چنین خطاب می‌کنیم: «السلام علی عمک عمران ابی طالب».

۲۱. غرر الاخبار، ص ۱۰۴: کان اسمه عمران.

۲۲. فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام عن یونس بن ظبّیان عن ابی عبد الله علیه السلام، ص ۱۴۳: المزار الکبیر عن صفوان الجمال عن ابی عبد الله علیه السلام، ص ۲۱۹ و عن یوسف الکنانی و معاویة بن عمار عن ابی عبد الله علیه السلام؛ البلد الامین، ص ۲۹۳: المصباح للکفعمی، ص ۴۷۸ من دون الاسناد الی المعصوم علیه السلام، ص ۲۲۵: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۰: المزار للمفید، ص ۸۱.

۲۳. در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله به این پاکی اشاره شده است: «حدّث جابر بن عبد الله رضی الله عنه: سألت رسول الله صلی الله علیه و آله ... اطّلع الله جلّت عظمته علیّ من ظهّر طاهر و هو ابوطالب، و استودعه خیر رحم و هی فاطمة بنت اسد.» (الفضائل لابن شاذان، ص ۵۵: الدر النظیم، ص ۲۲۹: روضة الواعظین، ج ۱، ص ۷۷: بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۰۰)

در زیارتی دیگر برای حضرت علی عليه السلام، ایشان به عنوان امامی که طیب ولادت دارد خطاب شده است:

السلام عليك ايها الطيب في ولادته. ٢٤

سلام بر تو ای که در ولادتت پاکیزه هستی.

پاکیزگی در ولادت به دو نحو اتفاق می‌افتد که هر دو درباره حضرت علی عليه السلام صادق است. اول اینکه، در زمان تولد، ایشان و سایر ائمه عليهم السلام، از هرگونه ناپاکی ظاهری مبرا بودند. معنای دوم این است که ایشان از نسلی پاکیزه و نسبی پاک برخوردار بودند. اقل دلالت این متون چنین است که حضرت ابوطالب و فاطمه بنت اسد اهل فحشا و منکرات نبودند و حضرت علی عليه السلام نسبی پاک و طاهر دارند.

زیارتی دیگر برای حضرت علی عليه السلام به نقل از کتاب عتیق غروی وجود دارد. در این زیارت نیز حضرت علی عليه السلام را از صلب پاک و رحم‌های پاکیزه دانسته است:

و اشهد أنك الشجرة الطيبة لم تزل بعين الله تتناخض في اصلاب
المطهرين و تنقل في ارحام الطاهرات المطهرات لم تدنسك الجاهلية
الجهلاء و لم تشرك فيك فتن الالهواء طبت و طاب منبتك. ٢٥
و شهادت می‌دهم همانا تو درختی پاک هستی که پیوسته در محافظت
و نظر الاهی بودی که پیوسته در صلب‌های مطهر بودی و به رحم‌های
پاک منتقل شدی. جاهلیت درهم تنیده منجر به ناپاکی تو نشد و فتنه
هواهای نفسانی باعث این نشد که (شیطان) با تو شریک شود. هم خودت
طیب هستی و هم محلی که از آنجا رشد و نمو کردی.

در واقع، این زیارت، پاکی صلب و رحم را این‌گونه معنا کرده که جاهلیت و شرک در پدران و مادران حضرت راه نیافته است. مصداق اولیه پدران و مادران حضرت علی عليه السلام، ابوطالب و فاطمه بنت اسد است.

در روایتی از علی عليه السلام نقل شده که فرمود:

پدرم ابوطالب و نیاکانم عبدالمطلب، هاشم و عبدمناف، هرگز بت
نپرستیدند.

گفته شد:

پس چه چیزی را می‌پرستیدند؟

٢٤. المزار الكبير، ص ٢٢٤؛ بحار الانوار، ج ٩٧، ص ٣٣١، ح ٣٠.

٢٥. بحار الانوار، ج ٩٠، ص ٣٢٥.

فرمود:

كَانُوا يُصَلُّونَ إِلَى الْبَيْتِ عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَتَمَسِّكِينَ بِهِ.^{۲۶}

به سوی کعبه نماز می خواندند، بر دین حضرت ابراهیم علیه السلام بودند و به آن پای بند بودند.

پس منظور از «صلب پاک» در این زیارت یقیناً ابوطالب علیه السلام است.

زیارتی دیگر برای حضرت علی علیه السلام نقل شده که در آن خانه‌هایی که ایشان و سایر اهل بیت علیهم السلام در آن بودند و رشد و نمو یافتند، پاک و طاهر شمرده شده است:

... حَتَّى مَنَّا عَلَيْنَا فَجَعَلَكُمْ فِي بَيْوتِ اذْنِ اللّٰهِ اَنْ تَرْفَعُ و يَذْكُرُ فِيهَا
اسمه فتوَلَّى جَلَّ ذِكْرُهٗ تَطْهِيْرُهٗا و اَمْرُ خَلْقِهٖ بِتَعْظِيْمِهٖا فَرَفَعَهَا عَلٰى كُلِّ
بَيْتٍ طَهَّرَهٗ فِي الْاَرْضِ و عَلَاهَا عَلٰى كُلِّ بَيْتٍ قَدْسَهٗ فِي السَّمَاوٰتِ
يُوَاوِيْهَا خَطْرٌ و لَا يَسْمُوْ اَلَيْهَا الْفِكْرُ.^{۲۷}

تا اینکه منت گذاشت بر ما، پس شما را در خانه‌هایی که خدا اذن داده که اسم او در آنها واقع و یاد شود و از آن خانه‌ها بالا رود قرار داد؛ و خود متولی تطهیر آن خانه‌ها شد و خلافتش را به تعظیم آن بیوت امر کرد و مرتفع داشت بر هر خانه‌ای که در زمین تطهیر کرد و او را برتری داد بر هر خانه‌ای که در آسمان‌ها تقدیس کرد و هیچ خانه‌ای در رفعت مکان و عظمت به بیوت شما نمی‌رسد و هیچ فکری تاب بلندای آن را ندارد.

تمامی اهل بیت علیهم السلام در دامان بهترین پدران و مادران پرورش یافته‌اند. علی علیه السلام نیز از این نعمت برخوردار بود و در خانه‌ای رشد و نمو یافت که مطابق این زیارت، نام خدا در آن بالا رفته و یاد می‌شود و از پاک‌ترین منازل است. بدیهی است که منظور از منزل، خشت و گل نیست، بلکه وجود والامقام ابوطالب و فاطمه بنت اسد است. شاید اشکال شود که علی علیه السلام در دامان پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه تربیت یافته نه در دامان پدر و مادرش. این اشکال وارد نیست، زیرا اشکال‌کننده نمی‌تواند همین اشکال را درباره پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ دهد، چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بعد از وفات عبدالله، تحت تکفل و پرورش عبدالمطلب و پس از آن نیز در کفالت حضرت ابوطالب علیه السلام بود و در خانه آن حضرت رشد یافت.

۲۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۷۵؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۰۷۵.

۲۷. المزار الکبیر، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۴۴، ج ۳۳.

۴. حزن و گریه پیامبر ﷺ برای ابوطالب ﷺ

وقتی ابوطالب ﷺ به رحمت خدا رفت، پیامبر ﷺ بسیار محزون شد و این مصیبت برایش سخت بود. در سالی که او از دنیا رفت، خدیجه، همسر پیامبر نیز از دنیا رفته بود. لذا نبی اکرم ﷺ آن سال را عام الحزن (سال اندوه) نامید:

فسمی رسول الله ﷺ ذلك العام عام الحزن فقال: ما زالت قریش

قاعدة عنى حتى مات ابوطالب.^{۲۸}

پیامبر آن سال را «عام الحزن» نامید و فرمود: همیشه قریش از من واهمه داشت تا وقتی ابوطالب ﷺ از دنیا رفت.

با فقدان این دو یار، حزنی شدید بر پیامبر ﷺ سایه افکند؛ زیرا آنان علاوه بر همسر و عمویی مهربان و دلسوز، با مال و آبروی خویش، مدافع ایشان در سختی‌ها و مشکلات بودند:

كانت خديجة ماتت قبل الهجرة بسنة، و مات ابوطالب بعد موت خديجة بسنة، فلما فقدهما رسول الله ﷺ سئم المقام بمكة و دخله حزن شديد.^{۲۹}

خدیجه یک سال پیش از هجرت پیامبر ﷺ از دنیا رفت و ابوطالب نیز یک سال پس از مرگ خدیجه، دیده از جهان فرو بست و چون پیامبر ﷺ هر دوی آنها را از دست داد از ماندن در مکه دلتنگ شد و اندوه فراوانی وجودش را در بر گرفت.

حضرت ابوطالب ﷺ در میان سیل مشکلاتی که قریش بانی آن شده بود حامی و ناصر پیامبر ﷺ بود، تا جایی که با حضور او پیامبر ﷺ تکیه‌گاهی محکم داشت:

و كان رسول الله ﷺ يقول: «ما اغتممتُ بغمِّ أيام حياة ابى طالب و خديجة» لما كان ابوطالب يدفعه عنه و خديجة تعزيه و تصبره و تهون عليه ما يلقاه فى ذات الله عزوجل.^{۳۰}

پیامبر می‌فرمود: در ایام حیات ابوطالب و خدیجه غمی مرا غمناک نکرد، زیرا ابوطالب از او دفاع می‌کرد و حضرت خدیجه نیز او را تسلا می‌داد و مایه آرامش حضرت بود.

۲۸. قصص الانبياء، ص ۳۱۷؛ السيرة الحلبية، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲۹. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷؛ الکافی، ج ۸، ص ۳۴۰؛ مختصر البصائر، ص ۳۴۵.

۳۰. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۷.

بعد از وفات این شخصیت تأثیرگذار، پیامبر بسیار متأثر شد و جای خالی او را در زندگی اش حس می‌کرد:

مَا أَسْرَعَ مَا وَجَدْتُ فَقَدَكَ يَا عَمَّ.^{۳۱}

عموجان! چه زود جای خالی تو را احساس کردم.
در نقلی دیگر نیز آمده است که پیامبر ﷺ به سبب رحلت عمویش محزون بود:

سئل أبو الجهم بن حذيفة: أ صَلَّى النبي ﷺ على أبي طالب؟ فقال:
و این الصلاة يومئذ؟ إنما فرضت الصلاة بعد موته، و لقد حزن عليه
رسول الله ﷺ.^{۳۲}

از ابن حذیفه سؤال شد که آیا پیامبر بر (جنازه) ابوطالب نماز گزارد؟
حذیفه گفت: چگونه (پیامبر) بر او نماز بخواند در حالی که نماز بعد از رحلت
ابی طالب، واجب و فریضه گردید. ولی هر آینه رسول الله برایش محزون
شد.

اندوه پیامبر ﷺ بر فراق ابوطالب ﷺ تا جایی بود که در مراسم تشییع او، با گریه‌های پیایی
شرکت کرد.

لما قيل لرسول الله ان ابا طالب قد مات، عظم ذلك في قلبه و
اشتد له جزعه، ثم دخل فمسح جبينه الايمن اربع مرات و جبينه
الايسر ثلاث مرات ثم قال: «يا عمّ ربّيت صغيرا و كفلت يتيها و
نصرت كبيرا، فجزاك الله عنّي خيرا.» و مشى بين يدي سريره و جعل
يبعضه و يقول: «وصلتك رحم و جزيت خيرا.»^{۳۳}

چون به پیغمبر ﷺ خبر دادند که حضرت ابوطالب وفات یافته است،
سخت دل تنگ شد و به شدت متقلب گردید. سپس برخاست و به خانه
حضرت ابوطالب آمد و چهار بار دست به سمت راست پیشانی و سه بار به
سمت چپ پیشانی او کشید، آنگاه گفت: «ای عمو! خردسالی را پرورش
دادی، و یتیمی را پرستاری کردی، و چون او (منظور خود پیغمبر است)
بزرگ شد، یاریش کردی. خدا از جانب من به تو پاداش دهد.» سپس به
دنبال جنازه اش به راه افتاد، در حالی که می‌گفت: «پیوند خویش را به خوبی
رعایت کردی و پاداش نیکی گرفتی.»

۳۱. الامالی الطوسی، ص ۴۶۳؛ کشف الغمة، ج ۱، ص ۴۰۲؛ حلیة الابرار، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳۲. ایمان ابی طالب، ص ۲۴۸؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۷.

۳۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

بسیار دیده می‌شد که حزن پیامبر بر از دست دادن این دو درّ گهربار به اشک تبدیل می‌شد و از فراقشان به شدت می‌گریست و می‌فرمود:

اجتمعت علی هذه الامة فی هذه الايام مصیبتان لا ادري بايهما
انا اشدّ جزعا، یعنی مصیبة خدیجة و ابی طالب.^{۳۴}

در این ایام دو مصیبت (مرگ خدیجه و ابوطالب) بر این امت نازل شد.
بر کدام یک بیشتر گریه کنم؟

تاریخ نقل می‌کند وقتی پیامبر خبر رحلت عمویش را شنید بسیار گریه کرد:

لما توفی ابوطالب اخبرت رسول الله فبكا بكاء شديداً.^{۳۵}
وقتی پیامبر اکرم خبر وفات ابوطالب را شنیدند گریه شدیدی کردند.
با توجه به تقریر پیامبر ﷺ بر حزن عمویش ابوطالب رضی الله عنه، می‌توان به تأسی از ایشان در فقدان
این ولی خدا اندوهناک بود، در زیارتش با حالت حزن و ناراحتی شرکت کرد و حتی به گریه و
عزاداری مشغول شد.

۵. طلب شفاعت از ابوطالب رضی الله عنه

از مقامات بلند حضرت ابوطالب رضی الله عنه مقام شفاعت ایشان است. مقام شفاعت برای همه یکسان
نیست و شفاعت برای افراد صالح نیز به کمیت و کیفیت متفاوت است. برخی فقط قوم خاصی را
می‌توانند شفاعت کنند و برخی در موضوعاتی خاص می‌توانند شافع واقع شوند. ویژگی مقام شفاعت
حضرت ابوطالب رضی الله عنه شمول آن است؛ به گونه‌ای که می‌توانند شفاعت تمامی گنهکاران را داشته
باشند. علی رضی الله عنه می‌فرمایند:

والذی بعث محمدًا رضی الله عنه بالحق نبیاً، لو شفع ابی فی کلّ مُذنب علی

وجه الارض لشفعه الله فیهم.^{۳۶}

قسم به خدایی که محمد رضی الله عنه را به حق به نبوت برگزید، اگر پدرم درباره
هر گنهکاری روی زمین شفاعت کند هر آینه خداوند شفاعت او را در حق
آنان می‌پذیرد.

پس شایسته است مؤمنان در زیارت ایشان از او درخواست شفاعت داشته باشند.

۳۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

۳۵. تذکرة الخواص، ص ۱۹؛ الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۹۹؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۶۶، ص ۳۶۶، ح ۸۱۱۳؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۵۰۶.

۳۶. الامالی للطوسی، ص ۳۰۵ و ۷۰۲؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۸۳؛ بشارة المصطفی، ص ۲۰۲؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۳۰.

۶. به جا آوردن عبادات از طرف ابوطالب علیه السلام

یکی از کارهای مفید برای شادی روح فردی که به سرای ابدی هجرت کرده، به جا آوردن اعمال واجب و مستحبی از طرف اوست. افراد می‌توانند برای پدر، مادر و سایر اقوام و حتی مؤمنان عبادت نیابتی انجام دهند. این سیره تا جایی در میان اهل بیت متداول بوده که علی علیه السلام برای پدرش، حضرت ابوطالب علیه السلام، و پدر و مادر پیامبر صلی الله علیه و آله حج نیابتی به جا می‌آورد و حتی به این مقدار نیز اکتفا نکرد و وصیت فرمود بعد از شهادتش، دیگران این سیره را ادامه دهند:

قال ابو جعفر علیه السلام: كان والله امير المؤمنين يأمر ان يحج عن ابي النبي و امه و عن ابي طالب في حياته و لقد اوصى في وصيته بالحج عنهم بعد مماته. ۳۷

امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم همواره امیرالمؤمنین در زمان حیاتش به حج گزاردن به نیابت از پدر و مادر نبی صلی الله علیه و آله و به نیابت از ابوطالب امر می‌فرمود و وصیت کرده بود که بعد از فوتش نیز از آنها حج به جای آورده شود.

از امام صادق علیه السلام نیز درباره حج گزاردن و نماز مستحبی به نیابت از حضرت ابوطالب علیه السلام روایتی وجود دارد: ۳۸

روی عن داوود الرقی قال: دخلتُ علی ابي عبدالله علیه السلام و لی علی رجلٍ مالٌ قد خفتُ تواءهُ فشكوتُ ذلک الیه، فقال لی: «اذا صرت بمكة فطُف عن عبدالمطلب طوافاً و صلَّ عنه رکعتین و طُف عن ابي طالب طوافاً و صلَّ عنه رکعتین...» قال: ففعلتُ ذلک ثم خرجتُ من باب الصفا فاذا غریمی واقفاً یقول: یا داوودُ حبستنی تعال فاقبض مالک. ۳۹

از داود رقی روایت شده است که گفت: به محضر امام صادق علیه السلام داخل شدم در حالی که مالی بر ذمه مردی داشتم که از تباه شدن آن بیمناک بودم، پس از این وضع به حضرت شکایت بردم، امام به من فرمود: «چون به مکه رفتی طوافی از جانب عبدالمطلب انجام ده و دو رکعت نماز از سوی او بگزار و طوافی از جانب ابوطالب انجام ده و دو رکعت نماز از سوی او بگزار ... پس آنگاه خدای عز و جل را بخوان که مالت را به تو برگرداند.»

۳۷. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۲؛ مناقب آل ابی طالب، ص ۸۵.

۳۸. شاید این روایت دستورالعملی مجزب برای یافتن شیء گم‌شده یا برای اعاده مال از بدهکار باشد.

۳۹. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

گفت: من چنین کردم و آنگاه از باب الصفا خارج شدم و ناگهان بدهکار خود را دیدم که در آنجا ایستاده است، و می‌گوید: «ای داود! مرا متوقف ساختی، بیا و مال خود را دریافت کن.»

با توجه به این نقل‌ها، در کنار زیارت ابوطالب علیه السلام، می‌توان برای ایشان حج و اعمالی مانند نماز به جای آورد و به روح ایشان هدیه کرد.

بنا بر آنچه در این بخش گذشت، برای ابوطالب علیه السلام روایت مستقلى یافت نشد که بر زیارت یا قرائت زیارت‌نامه بر مزارش دلالت کند؛ اما با تحلیل روایاتی که ایشان را با اصحاب کهف تشبیه کرده و همچنین نقل‌های مرتبط با زیارت مؤمنان، زیارت ایشان از بهترین زیارت‌ها محسوب می‌شود. به‌علاوه، مسلمانان موظفند به جهت مقام وصایت ایشان، این مرد بزرگ را زیارت کنند. این مسأله آنچنان مهم است که در برخی زیارات پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز علی علیه السلام، زیارت و سلام به ایشان ذکر شده است. با توجه به تقریر معصومان علیهم السلام در حزن و اندوه بر فقدان ایشان، امر در به‌جا آوردن برخی عبادات نیابتی از جانب ابوطالب علیه السلام مؤمنان می‌توانند در زیارتش محزون باشند و اعمالی را به نیابت از ایشان انجام دهند.

ب) ابوطالب علیه السلام در آینه دعا

بنا بر روایات و نقل‌های تاریخی، دعا جایگاه خاصی در زندگی حضرت ابوطالب علیه السلام داشته است. ایشان مشمول دعای پیامبران و اوصیای ایشان قرار گرفته و زندگی‌اش قرین نیایش با خدا بوده و برای اقوام و آحاد مردم دعا می‌کرد.

۱. دعای حضرت ابراهیم علیه السلام برای ابوطالب علیه السلام

نسب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله به ابراهیم علیه السلام برمی‌گردد. حضرت ابوطالب علیه السلام نیز به عنوان عموی نبی اکرم از این نسب و شرافت برخوردار است. در قرآن کریم اشاره شده است که ابراهیم خلیل علیه السلام برای ذریه‌اش دعا فرموده است. این دعا شامل مؤمنان فرزندان ایشان است و با توجه به ایمان و شخصیت والای حضرت ابوطالب علیه السلام شامل آن حضرت نیز شده است:

رب اجعل هذا البلد آمنا و اجنبی و بنی ان نعبد الاصنام.^{۴۰}

خدایا این شهر را امن قرار بده و من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها محفوظ دار.

این دعا درباره برخی از فرزندان ابراهیم مستجاب شده است. با توجه به گزاره‌های تاریخی و روایی درباره ایمان ابوطالب رضی الله عنه و حمایت او از آیین برادرزاده‌اش، یقیناً او مشمول این دعا بوده است. در مقابل، مستکبران و معاندانی مثل ابولهب که از پذیرش حق امتناع ورزیدند مشمول این دعا نشدند. در سوره حدید به این افراد اشاره شده است:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمُ النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ
فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ.^{۴۱}

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان، نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

۲. دعای پیامبر صلی الله علیه و آله برای ابوطالب رضی الله عنه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار عمویش را دوست داشت و از اخلاق پسندیده و حمایت‌هایش خشنود بود. یکی از کارهایی که پیامبر اکرم راجع به عمویش انجام داد طلب آموزش برای او بود. ایشان وقتی خبر رحلت عمویش را شنید با تأثر برای ایشان طلب مغفرت و رحمت کرد:

لَمَّا تَوَفَّى ابِوطَالِبٍ أَخْبَرَتِ رَسُولَ اللَّهِ فَبَكَأَ اللَّهُ شَدِيداً ثُمَّ قَالَ:
أَذْهَبَ فُغْسِلَهُ وَكَفَنَهُ وَوَارَهُ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَرَحِمَهُ.^{۴۲}

وقتی پیامبر اکرم خبر وفات ابوطالب را شنیدند گریه شدیدی کردند و برای غسل و کفن و دفن او دستور دادند و فرمودند: خداوند او را بیامرزد و رحمت کند.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام خاک‌سپاری حضرت ابوطالب رضی الله عنه فرمودند:

أَمَّا وَاللَّهِ لَا اسْتَغْفِرُنَّ لَكَ وَلَا شَفَعَنَ فَيْكَ شَفَاعَةٌ يَعْجَبُ لَكَ
الثَّقَلَانِ.^{۴۳}

به خدا سوگند برای تو طلب مغفرت می‌کنم و در حق تو آن گونه شفاعت می‌کنم که جن و انس از آن دچار شگفتی شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر طلب آموزش و رحمت، وقتی ابوطالب رضی الله عنه در بستر بیماری و رحلت بود، برایش دعای خیر کردند:

۴۱. حدید، ۳۶.

۴۲. تذکرة الخواص، ص ۱۹؛ الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۹۹؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۶۶، ص ۳۶۶، ج ۸۱۱۳: الدر المنثور، ج ۳، ص ۵۰۶.

۴۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۳؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۷۶.

یا عمّ کفلت یتیمًا و ربّیت صغیرًا و نصرت کبیرًا، فجزاک الله عنی
خیرًا. ۴۴

عموجان! از یتیم سرپرستی کردی، کوچک را تربیت کردی، بزرگ را
یاری کردی. خداوند بهترین پاداش را از ناحیه من به تو عنایت کند.
در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب عمویشان، عباس که درباره ابوطالب رضی الله عنه پرسیده بود،
می‌فرماید:

عندما سأله عمّه العباس: ما ترجو لابی طالب؟ قال: کلّ الخیر ارجو
من ربّی. ۴۵

عباس بن عبدالمطلب از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: برای ابوطالب چه
امیدی داری؟ فرمود: برای او امید هر خیری را از پروردگار دارم.
وقتی در مدینه خشکسالی شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای رفع این خشکسالی نماز باران خواندند،
باران رحمت شروع به باریدن کرد. در این هنگام نبی اکرم صلی الله علیه و آله تبسمی کرد و فرمود:

لله ذرّ ابي طالب، لو كان حيا لقرت عينه. ۴۶

خیر کثیر ابوطالب با خدا است. اگر زنده بود دیدگانش روشن می‌شد.
ابوطالب رضی الله عنه همیشه مشمول دعای خیر برادرزاده‌اش بود. در روایات آمده است که خود
ابوطالب رضی الله عنه از پیامبر درخواست کرد برای کسالتی که دارد از خداوند، دعا و طلب شفا کند و پیامبر
نیز این درخواست را اجابت کرد:

انّ ابا طالب مرض فدخل عليه رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: یا ابن آخ ادع
ربک الذی تعبدہ ان یعافینی. فقال النبی صلی الله علیه و آله: اللهم اشف عمّی. فقام
فکأنما اثنط من عقال. ۴۷

ابوطالب مریض شد. پیامبر به عیادتش رفت. ابوطالب گفت: ای پسر
برادرم! از خدایی که عبادتش می‌کنی بخواه تا مرا عافیت دهد. حضرت دعا
کرد: «خدایا! عمویم را شفا بده.» پس ابوطالب برخاست و نشست مثل
اینکه از بند آزاد شد!

۴۴. امالی، ص ۲۴۳؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۸.

۴۵. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۸۴؛ الطرائف، ج ۱، ص ۳۰۵؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۶۸.

۴۶. الامالی للطوسی، ص ۷۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۳ و ۱۳۷؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۳۹.

۴۷. الخرائج والجرائج، ج ۱، ص ۴۹؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۰، ج ۱۶.

نمونه‌هایی که گذشت، طلب خیر و رحمت از سوی پیامبر ﷺ برای ابوطالب ﷺ بود. پیامبر ﷺ نه‌تنها برای او دعا کردند، بلکه خود را شافع ایشان در روز قیامت دانستند:

قال رسول الله ﷺ: لو قمت المقام المحمود، لشفعت لابی و امی و عمی و اخ لی کان مواخیا فی الجاهلیة.^{۴۸}

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: وقتی در جایگاه خود در مقام محمود بایستم، شفاعت می‌کنم پدرم و مادرم و عمویم را و برادری که در جاهلیت با من برادری و عهد اخوت داشت.

بنا بر این سیره پیامبر ﷺ، می‌توان برای این بزرگ‌مرد دعا کرد و در هنگام زیارت ایشان دست به دعا برداشت و برای خود و ابی‌طالب ﷺ نیایش، طلب آمرزش و خیر و قرائت فاتحه کرد.

۳. دعا و صلوات حضرت علی ﷺ برای ابوطالب ﷺ

علی ﷺ فرزند ابی‌طالب ﷺ نیز علاوه بر دفاع از ایشان در مقابل معاندان و بدگویان، در رثای پدرش ابیاتی سرود و برای او صلوات فرستاد و او را ولی‌نعمت خویش خواند:

اباطالب عصمة المستجیر و غیث المحول و نور الظلم
لقد هد فقدک اهل الحفاظ فصلی علیک ولیّ النعم
و لقاک ربک رضوانه فقد كنت للمصطفی خیر عم^{۴۹}

به‌درستی که ابوطالب عصمت پناه‌دهنده و ابر پر باران و نوری در تاریکی بود. همانا از دست دادن تو ضربه‌ای سنگین برای اهل حفاظ بود. پس صلوات بر تو ای ولی‌نعمت ما، پروردگارت تو را با خشنودی‌اش ملاقات کرد و تو بهترین عموی پیامبر ﷺ بودی.

۴. دعای ابوطالب ﷺ برای مردم

بر خلاف کسانی که با بی‌انصافی ابوطالب ﷺ را دور از معنویات می‌دانند، دعا و نیایش با معبود، موضوعی است که در زندگی معنوی ابوطالب ﷺ نقش و جایگاه ویژه‌ای داشت. تاریخ گزارش داده که او در هر مشکلی دست به دعا بر می‌داشت و از خداوند، درخواست کمک می‌کرد. وقتی قریش به اذیت پیامبر ﷺ همت گماشتند، ابوطالب ﷺ فرزندان عبدالمطلب را جمع کرد و به خداوند بر ظلمی که قریش به بنی‌هاشم و به خصوص پیامبر ﷺ روا داشتند شکایت و از او درخواست پیروزی کرد:

۴۸. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۰.

۴۹. ایمان ابی‌طالب، ص ۱۲۲؛ الدرّ النظیم، ص ۲۱۹؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱۴.

بالاسناد عن ابن اسحاق قال: فلما سمعت بذلك قریش و راوا من ابی طالب الجد، و ایسوا منه، امدوا بنی عبدالمطلب الجفاء، و انطلق بهم ابوطالب، و قاموا بین استار الکعبة، فدعوا الله علی ظلم قومهم لهم، و فی قطیعتهم ارحامهم و اجتماعهم علی محاربتهم، و تناولهم سفک دمائهم. فقال ابوطالب: اللهم انّ قومنا ابی النصر علینا فعجل نصرنا، و حلّ بینهم و بین قتل ابن اخی. ثم اقبل الی جمع قریش، و هم ينظرون الیه و الی اصحابه. فقال ابوطالب رحمه الله: ندعو ربّ هذا البيت علی القاطع المنتهک للمحارم، والله لتنتهنّ عن الذی تريدون، او لينزل الله بکم فی قطیعتنا بعض الذی تکرهون.^{۵۰}

ابن اسحاق می گوید وقتی اخبار پیامبر (ص) در دعوت به خداپرستی و نفی خدایان به قریش رسید و دیدند ابوطالب [بر حمایت از پسر برادرش] جدیت دارد از او ناامید شدند. آنها شروع به جفا و ستم بر فرزندان عبدالمطلب کردند. ابوطالب با فرزندان عبدالمطلب به سمت خانه خدا حرکت کرد و کنار کعبه ایستاد و پرده را گرفت و خدا را به سبب ظلمی که به آنها شده بود و قطع رحم قریش و هم‌پیمانی‌شان بر جنگ با ایشان و ریختن خونشان خواست. پس ابوطالب گفت: «خدا! قوم ما بر کمک به ما ابا کردند، پس در پیروزی ما تعجیل کن و بین آنها و کشتن پسر برادرم حائل شو.» سپس رو به جماعت قریش کرد، در حالی که آنها به ابوطالب و یارانش نگاه می‌کردند. سپس ابوطالب فرمود: «ما پروردگار این خانه را علیه کسی که هتک‌کننده محارم است خواندیم. به خدا قسم یا از چیزی که اراده کردید دست برمی‌دارید یا اینکه خدا به سبب اینکه با ما قطع رحم کردید، چیزی را که از آن اکراه دارید بر شما نازل می‌کند.»

ارتباط ابوطالب (ع) با معبود به حدی قوی بود که دعای ایشان فوراً به اجابت می‌رسید. در تاریخ درج شده است که در زمان ایشان، قحطسالی بزرگی مکه و اطرافش را فرا گرفت. مردم پس از ناامیدی از کمک بت‌هایشان به سوی خانه ابوطالب (ع) رفتند. آنها قحطسالی، خشکی بیابان، گرسنگی و تشنگی مکیان را یادآور شدند و از ایشان خواستند برای نزول باران دعا کند. ابوطالب (ع) دست پیامبر را که در آن زمان نوجوان بود و سیمایش همچون ماه می‌درخشید گرفتند و به همراه جمعیت به سوی کعبه رهسپار شدند. مردم دیدند که ابوطالب (ع) پیامبر (ص) را به کعبه چسبانید و با انگشتانش به سوی آسمان اشاره کرد و با زبانی تضرع‌آمیز به درگاه خدا دعا کرد. طولی نکشید که پاره‌های ابر از اطراف گرد آمد و باران بسیار بارید و مردم را از خشکسالی نجات داد.^{۵۱}

۵۰. حلیة الابرار، ج ۱، ص ۹۸.

۵۱. تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۳؛ دلائل الامامة، ج ۱، ص ۵۳.

در روایتی دیگر ایشان برای رفع زلزله دعا فرمودند:

عن رسول الله ﷺ: ارتجت الارض و زلزلت بهم اياما حتى لقيت قريش من ذلك شدة و فزعوا ... فصعد ابوطالب الجبل ... فبكى ابوطالب و رفع الى الله تعالى يديه و قال: الهى و سيدى اسالك بالمحمدية المحمودة و بالعلوية العالوية و بالفاطمية البيضاء الا تفضلت على تهامة بالرأفة و الرحمة.^{۵۲}

از رسول خدا ﷺ روایت شده است که چند روز پیاپی زمین لرزه اتفاق افتاد، آنچنان که قریش به شدت ترسیدند ... پس ابوطالب از کوه بالا رفت ... ابوطالب گریست و دست‌هایش را بلند کرد و گفت: «پروردگارا! ای سرور من! از تو سؤال می‌کنم به حرمت محمودی محمد و به علو علوی و به حرمت رخشان فاطمه که نسبت به تهامة رأفت و رحمت فرمای.

عبدالله بن عبدالمطلب با برادرش ابوطالب ﷺ از یک مادرند. در ماجرای ذبح فرزند عبدالمطلب، وقتی قرعه به نام عبدالله می‌افتد، ابوطالب دست به دعا برمی‌دارد و از خداوند می‌خواهد تا عبدالله را بر او ببخشد:

فخرج السهم على عبدالله ... فامسك ابوطالب يده ثم قال: اللهم اجعلنى فديته و هب لى ذبحته. فكانوا يضربون القداح على عبدالله و على عشرة فيخرج السهم على عبدالله الى ان جعلها مائة و ضرب فخرج القدح على الابل فكبر عبدالمطلب و كبرت قريش.^{۵۳}

پس قرعه به نام عبدالله افتاد. پس ابوطالب دستش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا برای من عوض قربانی عبدالله فدیهای قرار بده و ذبح او را بر من ببخش. پس قرعه را بر عبدالله و ذبح ده شتر زدند. قرعه بر عبدالله افتاد تا اینکه قرعه را صد شتر قرار دادند و قرعه بر شتران افتاد. پس عبدالمطلب و قریش تکبیر گفتند.

گزاره‌های فوق نشان از توجه ابوطالب ﷺ به خداوند خویش و همچنین توجه پروردگار به خواسته‌های این مرد الهی دارد تا جایی که بسیاری از این حوائج به سرمنزل مقصود رسیده و اجابت شد. با توجه به این خصوصیت ابوطالب ﷺ، خوب است این مرد بزرگ واسطه حوائج قرار گیرد و حتی در کنار قبر ایشان یا در زیارتش طلب حاجت شود. حضرت ابوطالب ﷺ در ارتباط با معبودش، هم داعی و هم مدعو بوده است. ایشان قبل از تولد، در زندگی و پس از رحلت خویش، مشمول دعای پیامبر اکرم ﷺ، حضرت علی ﷺ و حضرت ابراهیم ﷺ قرار گرفته است. همچنین، در طول زندگی، از دعاکردن برای دیگران دریغ نفرموده و فرزندان عبدالمطلب و عموم مردم را دعا کرده است. تاریخ، استجابت برخی از این دعاها را ذکر کرده است.

۵۲. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۱۷۳؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۷۸؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱.

۵۳. العدد القویة، ص ۱۳۵؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۲۱؛ الدرّ النظیم، ص ۲۳؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

نتیجه

در بررسی زیارت‌ها و دعاهای مرتبط با حضرت ابوطالب علیه السلام به نکات بسیار مفیدی دست می‌یابیم. زیارت ایشان به دلیل ایمان محکمشان و حمایت‌هایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از امور پسندیده محسوب می‌شود. این را می‌توان از تحلیل و تطبیق مقام وصایت و ایمان ایشان با مقام اصحاب کهف دریافت کرد. در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام به سلام و زیارت ابوطالب علیه السلام پرداخته شده و این معارف می‌تواند نشان‌دهنده فضیلت زیارت این مرد الاهی باشد. با محور قراردادن موضوع دعا در زندگی ایشان نیز معارف نابی استفاده می‌شود. پیامبرانی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز امام اول شیعیان، برای این شخصیت دعا کردند. پس شایسته است مؤمنان با تأسی از پیامبر و امامشان از این عمل غفلت نوزند. همچنین، با توجه به روایات و نقل‌های تاریخی درباره دعاهای ابوطالب علیه السلام برای سایر افراد و نیز مستجاب‌الدعوه بودن این مرد بزرگ، می‌توان از او درخواست دعا کرد و ایشان را واسطه نیایش به درگاه الاهی قرار داد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳. الإصابة فی تمييز الصحابة، ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۴. إعتقادات الإمامیة، ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۵. الإقبال بالأعمال الحسنة، ابن طاووس، علی بن موسی، قم: بی نا، ۱۳۷۶ق.
۶. الأمالی، ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۷. الامالی، طوسی، محمد بن الحسن، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۸. إیمان ابی طالب (الحجة علی الذاهب إلی کفر ابی طالب)، الموسوی، فخار بن معد، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۱۰ق.
۹. بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. بشارة المصطفى لشیعة المرتضی، طبری آملی، عمادالدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، نجف، بی نا، ۱۳۸۳ق.
۱۱. البلد الأمين و الدرع الحصین، عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
۱۲. تاریخ یعقوبی، یعقوبی، احمد بن اسحاق، بیروت: دار صادر، ۱۳۷۹ق.

۱۳. تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، علی بن حسن، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۴. تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة، ابن جوزی، یوسف بن قزاعلی، بیروت: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۳ق.
۱۵. تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۱۶. تهذیب الأحکام، طوسی، محمد بن الحسن، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۷. حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۱۸. الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۹. الدر المنثور، جلال الدین السیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۰. الدر النظیم فی مناقب الائمة اللهمم، شامی، یوسف بن حاتم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ق.
۲۱. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، فتال نیشابوری، محمد بن احمد، قم: رضی، ۱۳۵۷ش.
۲۲. سیرة الحلیة، أبو الفرج الحلبي، علی ابن ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۲۳. شرح الأخبار فی فضائل الائمة الأطهار علیهم السلام، ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۲۴. شرح نهج البلاغة، ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۵. طبقات الكبرى، ابن سعد، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۰ق.
۲۶. الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس، علی بن موسی، قم: خیام، ۱۴۰۰ق.
۲۷. العدد القویة، حلّی، رضی الدین، تصحیح: سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۲۸. غرر الاخبار و درر الآثار فی مناقب الاطهار، دیلمی، حسن بن محمد، قم: دلیل ما، ۱۳۸۵ش.
۲۹. فروغ ابدیت، سبحانی تبریزی، جعفر، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰ش.
۳۰. فضائل أمير المؤمنين علیه السلام، ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، قم: دلیل ما، ۱۴۲۴ق.
۳۱. الفضائل، ابن شاذان قمی، محمد ابن احمد، قم: رضی، ۱۳۶۳ق.
۳۲. قصص الأنبياء علیهم السلام، قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۳. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۴. کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ق.

۳۵. کتاب المزار؛ مناسک المزار، مفید، محمد بن محمد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۶. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، اربلی، علی بن عیسی، تبریز: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ش.
۳۷. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۳۸. کنز الفوائد، کراجکی، محمد بن علی، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.
۳۹. مختصر البصائر، حلّی، حسن بن سلیمان، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
۴۰. المزار الكبير، ابن مشهدی، محمد بن جعفر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۴۱. المزار، عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۰ق.
۴۲. المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقية)، عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، قم: دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
۴۳. من لا يحضره الفقيه، ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۴۴. مناسک الحج، گلپایگانی، سید محمدرضا، قم: دار القرآن، ۱۴۱۳ق.
۴۵. مناسک حج، روحانی، سید محمد، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۴ق.
۴۶. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، قم: علامه، ۱۳۷۹ش.
۴۷. مواهب الوهاب فی فضائل والد امیر المؤمنین ابی طالب علیه السلام، التقدی، جعفر بن محمد، بیروت، شركة الکتبی، ۱۳۴۱ق.